

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## چند سویی تئوری‌ها و نحوه مقابله مؤثر با افراط‌گرایی تعریف هویت کشورها در امر مبارزه با تجاوز و زورگویی بازدارندگی و صیانت از امنیت ملی کشور

رقابت‌ها بمنظور رهبری جهان اسلام به کجا خواهد انجامید؟  
دیدگاه تعادل‌گرا و چگونگی نگرش همه‌جانبه‌گرا  
توافق‌قطر و چگونگی واقعیت‌های کشورما  
منازعه قدرت در کشور همچنان ادامه دارد

عده بیشماری از شهروندان کشورهای مختلف جهان، قربانی ایدئولوژی و طرز نگاه بنیادگرایی گردیده و مورد انواع تبعیض و آزار قرار می‌گیرند. دلیل اصلی چنین رویکرد مخرب بگونه کلی در مجموعه تصور غلط در مورد زندگی نابرابر بشری و نمایندگان طبقات و اقشار مختلف اجتماعی نهفته می‌باشد. جوانان بمثابه نیروی فعال و بالنده جامعه، تابع انواع تحولات ایدئولوژیک و تغییر و تجدید نظر در ارزش‌ها قرار می‌گیرند. بنابراین، تهیه‌گزارش‌های تحلیلی در مورد اجتماع جوانان کار ساده‌ای محسوب نمی‌گردد. ایجاب می‌نماید تا عمده‌ترین پرسش‌ها در ارتباط با موجودیت تئوری و پراتیک مبارزه و مقابله با بنیادگرایی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

قبل از طرح سایر مسایل مورد بحث، تذکر این مسأله قابل یادآوری پنداشته می‌شود که در جریان سال‌های ۸۰ سده ۲۰، ایالات متحده (بگونه مشخص سی.ای.ای.)، میلیاردها دالر را در استخدام نیرو و تأمین مالی مجاهدین بمنظور تداوم "جنگ مقدس" (جهاد) به‌هدف سرنگونی رژیم کشورما و از میان برداشتن وباصطلاح زدودن نفوذ و تأثیرگذاری شوروی هزینه نمود. بنابراین، استخدام و سربازگیری از تمامی گوشه و کنار جهان اسلام بمنظور حصول مأمول فوق‌آغاز گردید. همچنان در این بخش چندان بیمورد نخواهد بود تا نکاتی چند ولوبگونه مختصر پیرامون افراطیت و تشددگرایی بیان نموده تا کم‌ازکم در مورد، تصویری حداقل هم‌اگر شده، ارائه نموده باشیم. قابل تذکر می‌باشد که افراطیت از جمله معضل و مشکل جدی در قبال بشریت سده ۲۱ پنداشته می‌شود. متعصبان و حامیان اندیشه‌های افراطی با اقدامات وسیع و گسترده‌ای متوسل گردیده و باصل نفرت و عدم تحمل‌پذیری بمنظور برطرف نمودن شرایط دشوار جامعه، دامن می‌زنند. بنابراین، بگونه پروسواسی، اصل احترام متقابل (باید بمثابه نشاندهنده موضع‌گیری ایدئولوژیک در سلسله اقداماتی بمنظور پیشگیری از افراط‌گرایی در نظر گرفته شود)، اجماع، تفکر انتقادی بگونه و محتوای کلی یک راه‌حل تمدنی بوده و از رهگذر ایدئولوژیک بمثابه ابزاری بمنظور جلوگیری از افراط‌گرایی در مجموعه اجتماع مورد نظر می‌باشد.

افراط‌گرایی بگونه نهایت متغیر و در ارتباط مستقیم با نهادهای ذیل متبارز می‌گردد:

- در سیستم سیاسی و نهادهای قدرت؛

- در ادیان و اجتماعات مذهبی؛

- در جوامع و اجتماعات قومی - فرهنگی؛

- و در نظم اجتماعی.

بدین ترتیب، می‌توان از اشکال مختلف افراطیت بگونه‌های ذیل یادآوری بعمل آورد: افراطیت سیاسی، مذهبی،

ناسیونالیستی و ملی.

پس از یادآوری های متذکره، اینک به چگونگی سیراوضاع سیاسی - اجتماعی در کشور میپردازیم. این موضوع فراموش خاطر ما نشود که بمفهوم عام کلمه و با در نظر داشت شرایط کلی زندگی اجتماعی - سیاسی، بایست متذکر گردید که وضعیت کنونی کشور عزیز ما نهایت پیچیده و غامض بوده و میهن ما متأسفانه با کوهی از مشکلات مواجه می باشد که به نحوی از انحاء انعکاس دهنده واقیعت هایی در داخل افغانستان محسوب می گردد. با وجود نظارت جامعه جهانی بر مرزهای کشور ما، تاکنون هم نقل و انتقال جنگجویان و قاچاق سلاح بویژه از مرزهای شرقی بدخل اراضی کشور ما همچنان ادامه دارد. "طالب"ها و دولت، هر کدام با گرمی از تقسیم حوزه نفوذ و تأثیرگذاری شان سخن می گویند.

دولت افغانستان، نخست و در اول امر به رهایی زندانیان "طالب" مبادرت ورزید که خود بمثابه نخستین مرحله آزادی زندانیان یادشده بویژه پس از امضای توافق و تعامل ایالات متحده - "طالب" بشمار می آمد که عمدتاً به منظور تسریع روند پروسه صلح و گفتگوهای میان افغانی انجام گردید. دولت افغانستان در نخستین روز عید فطر با آزادی ۹۰۰ تن از زندانیان "طالب" همت گماشت. قبل بر این، دولت کشور بر هبری اشرف غنی متعهد گردیده بود که در صورت قطع آتش، بتعداد دوهزارتن از زندانیان "طالب" از زندان ها و توقیف خانه ها آزاد خواهند گردید.

مطابق قرارداد و تعامل امریکایی ها و "طالب"ها، قرار بر آن شد تا دولت افغانستان بتعداد ۵۰۰۰ تن از زندانیان "طالب"ها و "طالب"ها نیز به رهایی ۱۰۰۰ تن از نیروهای امنیتی کشور که در بند آنها بودند، اقدام نمایند تا اصل اعتماد بیشتر بمنظور راه اندازی و انجام مؤفقاته مذاکرات میان افغانی، بمیان آید. عده ای چنین میپندارند که توافق و تفاهم حاصله ایالات متحده - "طالب" در دوحه که توسط خلیل زاد و ملا برادر بامضاً رسید، از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد که البته چنین پنداری در نوع خود، برداشت منحصر بفرد اشخاص پنداشته می شود.

با انجام تعامل و توافق با "طالب"ها، ایالات متحده بگونه عملی و واضحی با جنبش تروریستی قرون وسطایی و رد معامله و زدوبند گردیده و با اقدام اینچینی، بر تمامی جنایات انجام شده توسط گروه نامبرده چشم پوشی نمود و در صدد برأت دادن آنها از تمامی اعمال انجام پذیرفته گردید. اما تاریخ و وجدان بشری چنین جنایات انجام داده شده توسط آنها و هر گروه دیگری را هرگز نخواهند بخشید. اتخاذ چنین موقف و موضعگیری اینچینی، بمفهوم عام کلمه، برخلاف منافع شهروندان کشور و خلاف منافع و مصالح حاکمیت سیاسی و فادار با ایالات متحده در کشور ما محسوب می گردد.

در فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکوم)، در اواسط ماه روان درواشنگتن اظهار گردید که "طالب"ها، هرگز ایالات متحده را مورد تهدید قرار نداده اند. ظاهراً، مدت زمان ۱۹ سال اجرای فعالیت های حربی و نظامی در سرزمین و اراضی متعلق با افغانستان، بمثابه مبارزه علیه جنگجویان "داعش" و "القاعده" توجیه میگردد. همچنان بگونه مشخص یادآوری بعمل آمد که "طالب"ها نباید بمثابه دوستان "داعش" محسوب گردند. چه در چنین وضعیتی، تشخیص خصوصیات و درک نحوه ارتباط "طالب"ها با "القاعده" را به مشکل مؤاچه خواهد نمود. در این میان، با نشر اعلامیه سازمان ملل، این واقیعت بیش از هر زمان دیگر برملاً خواهد گردید که پس از حصول تعامل با ایالات متحده، "طالب"ها با "القاعده"، مناسبات نزدیک شان را بر بنیاد "دوستی"، تاریخ مقاومت مشترک، علاقمندی های اعتقادی و ایجاد مناسبات خویشاوندی، همچنان حفظ خواهند نمود.

مدتی قبل، "طالب"ها اعلام نمودند که جانب ایالات متحده و افغانستان، اصول کلی توافق صلح و مصالحه را عملن نقض مینمایند. در جریان گفتگوها با ایالات متحده، "طالب"ها بگونه منظم با "القاعده" نیز پس از مشاوره و مفاهمه، تضمین نمودند که پیوندهای تاریخی را همچنان حفظ نموده و آنرا در آینده ها همچنان تداوم خواهند بخشید. "القاعده" نیز بنوبه خویش، از توافق و تفاهم حاصله میان ایالات متحده و "طالب"ها در قطر استقبال نموده و آنرا بمثابه پیروزی "طالب"ها و "بفهم" محسوب نمود.

بگونه مشخص، بمنظور تداوم پروسه صلح و آشتی ملی در سرزمین کشور عزیز ما، "طالب"ها و سایر نماینده های مخالف در گل (از موجودیت بیشتر از ۳۰ گروه مسلح مخالف در اراضی کشور خبر داده میشود)، باید برای همیشه، نحوه ارتباط و چگونگی مناسبات و پیوندهای شان را با "القاعده" بگونه واضح و روشنی مشخص نمایند. جز این، هیچ گزینه دیگری اصلن وجود ندارد.

اما با وجود اینهم، رهبری "طالب"ها در قبال اعلامیه سازمان ملل بگونه منفی واکنش نشان داده و چنین اقدامی را بمثابة از دست دادن اتوریته و مؤثریت این سازمان بین المللی تلقی نمودند. آنها مدعی شدند که با اعلامیه یاد شده منتشره توسط سازمان ملل، توافق حاصله میان امارت اسلامی ("طالب"ها) و ایالات متحده که بمثابة ابزار مهم و وسیله نیرومندی بمنظور ختم جنگ و درگیری های مسلحانه در افغانستان پنداشته می شود، عملن نقض می گردد.

ببینید، در اینجا در مقابل چشمان جهانیان، حقایق تحریف گردیده و مفاهیمی جابجا می گردد که از آغاز دور جدید درگیری های مسلحانه در کشور خبر داده و همچنان زمینه های باروری و ایجاد تهدیدهای بیشماری را برای کشور های همجوار افغانستان نیز فراهم خواهد نمود. در مورد درجه و مقیاس تعادل، نقش و اهمیت سازنده و واقعی توافق های ایالات متحده و "طالب"ها، از همان اول امر، شک و تردید هایی موجود بود.

در مورد مسایل و موضوعات تخریب بنیادهای موجود باید متذکر گردید که "طالب"ها بدنبال دستیابی به ابزار و وسایل نایل گردیدن بقدرت بوده و در امر رسیدن به مأمول متذکره، قبل از همه، بر استفاده و بکارگیری از قوه قهریه، ترجیح می دهند، در غیر آن، خویش را بمثابة بخش عمده و تعیین کننده حاکمیت جدید می شمارند. آنها در پندار تفکرات و اندیشه های "امارت" گیر افتاده اند که در مجموعه متذکره، این امیر است که حرف و سخن نخست را بزبان می آورد. اما آنها از این واقعیت یا طفره می روند و یا عمدن بی اطلاعی شان را از این مسأله کتمان می نمایند که ایجاد و برپایی نوع حاکمیتی که بیش از این بتاریخ پیوسته و چندین سده از تاریخ مصرف آن می گذرد، در شرایط کنونی کار آبی چندانی نداشته و با شرایط و خصوصیات سده ۲۱ اصلن همخوانی ندارد، چه، "امارت" بگونه افتخاری (معادل) بمفهوم خلافت، حاکمیت سلطان و امامت پنداشته می شود.

پس از توافق با ایالات متحده، "طالب"ها وعده سپردند که علیه قوت های نظامی ایالات متحده و متحدین ناتوی آن کشور با اقدامات مسلحانه متوسل نخواهند گردید، اما در امتداد فصل بهار در کشور با اقدامات متعدد مسلحانه در بسیاری از مناطق و محلات کشور همت گماشتند. مطابق اطلاعات بنشر رسیده در "نیویارک تایمز"، در نخستین روزهای ماه جوزای سال روان، بتعداد ۲۸ تن از جنگجویان مسلح مخالف و همچنان بتعداد ۳۳ تن از هموطنان ملکی کشور ما بخاک و خون غلطیدند.

تاریخچه درگیریها و ناآرامی ها بوضاحت کامل از غفلت در قبال سرنوشت توده های میلیونی کشور ما نمایندگی می نماید. وسعت روز افزون اقدامات تروریستی و مأهیت مشروط توافق صلح "طالب"ها با ایالات متحده نیز از جمله موارد قابل ذکر در در مورد محسوب می گردد. نباید فراموش خاطر ما گردد که تیر اندازی و هدف قرار دادن "گفتگوهای سیاسی داخلی"، بنحوی از انحاء، درک واقعی قضایا را با مشکل مواجه نموده، مانع خروج نیروها و قوتهای جنگی ایالات متحده از سرزمین کشور عزیز ما گردیده و همچنان به قانونی ساختن موجودیت "طالب"ها و برسمیت شناختن حضور سیاسی آنها در مجموعه قدرت سیاسی کشور خواهد انجامید.

در زمینه فوق، دولت افغانستان بمنظور انجام گفتگوهای مستقیم و رو در رو با "طالب"ها در قطر آمادگی گرفته و در صدد فراهم نمودن مقدمات چنین گفتگوهایی می باشد. عبدالله به نمایندگی از جمهوری اسلامی افغانستان، در رأس هیأت مذاکره کننده دولت قرار خواهد داشت. قبل بر این وا شننگتن، دولت افغانستان بر رهبری اشرف غنی را در صورت عدم تحقق مبارزه علیه سؤ استفاده و اختلاس در دولت، به قطع کمک هایش تهدید نموده بود.

تلاش بمنظور تبدیل فعالیت ها و عملکردهای گروه های تأثیرگذار و ارتقای آنها به سطح سیاسی و ایجاد توهم مشروعیت، بمراد قناعت بخشی نخواهد انجامید. بگفته کارشناسان، "طالب"ها با ایجاد بیشترین تهدیدهای امنیتی، بر کلیه فعالیت های تولید، تهیه و قاچاق مواد مخدر، تسلط کامل دارند.

شرایط و وضعیت متناقض "برادری" و اشنگتن با "طالب"ها، بسیار ناپایدار بوده و در مجموع، بدون دور نما بنظر می رسد. بحران در منابع طرف های درگیر بمنظور پشتیبانی از توهمات روند صلح، عملن بمشاهده می رسد. بدین منظور تقویت مرزهای افغانستان با دول کشورهای آسیای میانه و حفظ ثبات و امنیت مرزهای کشور با دول کشورهای تاجیکستان، از بکستان، قرغیزستان، قزاقستان و منطقه نیز دارای اهمیت پنداشته می شود.

تأثیرات روز افزون جنبش های نظامی - مذهبی و تشدید خشونت ها در افغانستان، بخودی خود، کشورهای همجو ار منطقه را نیز مورد انواع تهدیدها قرار خواهد داد. مدتی قبل، "طالب"ها بر پست های بازرسی دولت در ینگه قلعه (همجوار با مرز افغان - تاجیک) حمله ور شده و بتعداد ۷ تن از سربازان دفاع مردمی را بقتل رسانیده و دو تن از آنها نیز مجروح گردیدند. قوت های امنیتی افغان بمنظور مقابله با جنگجویان مسلح در شمال کشور، عملیات

هایی را راه اندازی نمودند.

این مسأله قابل تذکر پنداشته میشود که ساختار "طالب" ها بگونه کلی ناهمگون بوده و شماری از جنگجویان گروه یادشده، عمل مخالف تفاهم و تعامل با امریکاییها میباشند. چندی قبل نیز "طالب" ها عدم تمایل شانرا در امر مذاکره با دولت افغانستان بر رهبری اشرف غنی کانرا دست نشانده می خوانند، ابراز داشتند.

در شرایط و وضعیت نهایت غامض و پیچیده منطقوی، بویژه زمامداران و نظامیان پاکستانی، خواهان سهم قابل توجه و امتیازگیری های بیشتر در امر حل و فصل قضایای کنونی در کشور ما می باشند. ادعای ارضی و معضل خط "دیورند" که هموطنان افغان ما آنرا خط تحمیلی پنداشته و در هیچ مقطع تاریخی توسط هیچ حاکمیت سیاسی در کشور ما اصلن برسمیت شناخته نشده است، بر سایر در دسر های ارضی پاکستان افزون می گردد که در زمینه فوق، باید موضعگیری و موقف های جداگانه کشورهای همجوار، بویژه کشورهای را که بگونه سنتی در امر تحکیم امنیت و ایجاد صلح پایدار در سرزمین کشور ما علاقمند نبوده و از لحاظ مادی و معنوی و تسلیحاتی به تربیه، آموزش و تجهیز مخالفان مسلح کشور ما مبادرت ورزیده و بآنها و خانواده های آنها پناه داده اند، قابل دقت و تأمل پنداشته می شود.

مطابق آمار و ارقام بنشر رسیده توسط پنتاگون، در شرایط کنونی در ایالت بلوچستان پایگاهها، مراکز و بنیادهای پشتیبانی و حمایت از جنگجویان "طالب" موجود بوده و آزادانه به فعالیت های تخریبکارانه مشغول می باشند. با این مفهوم که مدت ها قبل، در خارج از محدوده جغرافیایی افغانستان به تشکیل و ایجاد شبکه های بین المللی ترو ریستی توسط حلقات مشخص منطقوی و فرامنطقوی مبادرت بعمل آمده و پس از پشت سر گذاشتن آموزش های جنگی و تخریبکارانه، جنگجویان آموزش دیده بمنظور ایجاد و تشدید تشنج به کشور عزیز ما گسیل می گردند. پرسه یادشده از مدت ها قبل آغاز و تاکنون همچنان تداوم حاصل نموده و بدنبال نمودن و ادامه چنین وضعیتی از هیچگونه تلاش و عرق ریزی دریغ نخواهند ورزید.

اداره و اشنگن گویا تحت عنوان مبارزه علیه دهشت افگنی و تروریسم و دستگیری بن لادن که مضمون اصلی حوادث ۱۱ سال ۲۰۰۱ قلمداد گردیده و در کشور ما مخفی گردیده بود، تصمیم اتخاذ نمود تا نظامیان تادندان مسلح آن کشور با تمام شاخ و برگ آن، از زمین و هوا به اراضی کشور ما یورش برده و عملیات نظامی گسترده ای را تحت عنوان باصطلاح "آزادی پایدار" در قلمرو کشور ما بسررساند. سلسله فعالیت های جنگی و انجام برنامه های محاروبی از همان آغاز سپیده دم سده ۲۱ در کشور ما راه اندازی گردید.

اما پس از ۱۸ سال جنگ و انجام اقدامات و فعالیت های نظامی و حربی، در نتیجه ایالات متحده بتاريخ ۲۹ ماه فیبروری سال روان در دوحه کشور قطر، بگونه یکجانبه با "طالب" ها به میز مذاکره حاضر گردیده و در نتیجه طرف های مذاکره کننده به تفاهمات و تعاملاتی میان هم نایل گردیدند که متضمن کاهش تعداد نظامیان و عودت مرحله وار قوت های جنگی ایالات متحده و به صفر رسانیدن موجودیت نظامیان آن کشور در افغانستان می باشد. اما همچنان یادآوری بعمل آمده در صورتی که "طالب" ها از انجام خشونت جلوگیری بعمل نیآورده و یا خشونت را کاهش نبخشیده و با دولت افغانستان وارد نوعی از تعامل و آشتی نگردند، در چنین وضعیتی، به یقین که درگیری های مسلحانه و انجام برنامه های محاروبی همچنان تداوم حاصل خواهد نمود.

یکشنبه ۸ ماه سرطان سال ۱۳۹۹ خورشیدی